

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نادر ثانی

۲۶ سپتمبر ۲۰۲۴

## آیا می‌توان حماس را هم‌تراز سازمان مجاهدین خلق ایران پیش از قیام توده‌های ما در سال ۱۳۵۷ دانست؟



با توجه به حمله نیروهای سازماندهی شده "حماس" و جریانهای همراه با آن به "اسرائیل" در هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ و متعاقب آن کشتار بی‌رحمانه مردم غزه توسط دولت جنایتکار اسرائیل تظاهرات های بزرگ توده ئی علیه نسل کشی دولت و ارتش اسرائیل در سراسر جهان رخ داده و بحث‌های بسیاری از جوانب گوناگون درباره ماهیت این نسل کشی و نیروهای درگیر در گرفته است. در همین راستا رادیو همبستگی در ستکهلم و تلویزیون برابری پیرامون نقش این تظاهرات جهانی در حمایت از مردم فلسطین با من و داوود شمسانی به عنوان دو فعال سیاسی در ستکهلم که در بسیاری از آکسیونهای حمایت از توده های فلسطینی شرکت داشته اند، مصاحبه ای ترتیب دادند که در روز شنبه ۱۴ سپتمبر ۲۰۲۴ (برابر با ۲۴ شهریور سنبله- ۱۴۰۳) این برنامه نخست در رادیو و سپس در تلویزیون پخش گردید. (۱) از آنجا که در این مصاحبه داوود شمسانی در دفاع از حماس و برای نشان دادن ارتجاعی نبودن این جریان به مقایسه این نیرو با سازمان مجاهدین خلق دوران شاه مبادرت نمود و به عکس من اعتقادی به تروریست بودن حماس نداشت من در این نوشته بر آن هستم که به دو بحث بپردازم:

یک) آیا می‌توان سازمان حماس را هم‌تراز سازمان مجاهدین خلق ایران در سالهای پیش از قیام توده های ما در سال ۱۳۵۷ دانست؟

دو) تروریسم چیست؟ آیا مجاهدین پیش از ۱۳۵۷ جریانی تروریستی بود و آیا حماس جریانی تروریستی است؟

## یک) مقایسه دو سازمان مجاهدین و حماس

در ابتداء و پیش از آن که به ماهیت سازمان حماس بپردازم بد نیست که این دو سازمان را از چهار بُعد گوناگون با یکدیگر مقایسه کنم:

### ۱) شکل گیری این دو سازمان:

پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق ایران قبلاً در میان جریان‌های چپ جبهه ملی دوم فعالیت داشتند. آنها هدف خود را خدمت به قشرهای پائینی و ستمدیده جامعه و در نهایت برپائی "جامعه بی طبقه توحیدی" اعلام کرده بودند (روشن است که در اینجا بحث بر سر عملی بودن یا نبودن این هدف نیست). همچنین در بیان تاریخ این سازمان گفته شده که تشکیل سازمان مجاهدین خلق ایران در رابطه با بحث‌هایی صورت گرفت که میان تعدادی از جوانان انقلابی مانند محمد حنیف نژاد، سعید محسن و عبدی نیک بین پس از سرکوب خونین اعتراضات ۱۵ خرداد-جوزا-۱۳۴۲ توسط رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در گرفت. آنها در این بحث‌ها به این نتیجه رسیده بودند که برای رسیدن به هدف باید به مبارزه با رژیم شاه و بازوی امنیتی آن، ساواک با دست زدن به مبارزه مسلحانه برخاست؛ و به این نتیجه رسیده بودند که برای پیشبرد چنین مبارزه‌ای به صورت تشکیلاتی و حرفه‌ئی وجود یک سازمان مسلح ضرورت دارد.

اما در مقایسه با سازمان مجاهدین خلق ایران، جنبش مقاومت اسلامی (حرکت المقاومة الاسلامیه) با نام اختصاری حماس، یک سازمان و تشکیلات سیاسی و نظامی اسلام‌گرای سنی مذهب است که در سال ۱۹۸۷ اندکی پس از آغاز انتفاضه اول علیه اسرائیل، توسط فعال فلسطینی، شیخ احمد یاسین تأسیس و با همکاری و مشارکت اخوان المسلمین مستقر در مصر بنیان نهاده شد. از سوی دیگر، تاکنون اسناد متعددی درباره نقش نهادهای امنیتی دولت اسرائیل در شکل‌گیری این سازمان منتشر شده است.

حماس در سال ۲۰۰۵ به عنوان یک جریان اسلامی در مقابل جریان سکولار سازمان الفتح با رهبری محمود عباس که برنده به اصطلاح انتخابات آن سال اعلام شده و حکومت بر مردم غزه را عهده دار شد، قرار گرفت. از آن زمان به بعد دیگر حرکت‌های انقلابی نظیر انتفاضه‌ها از توده‌ها دیده نشد و مبارزات مستقل مردم غزه علیه دولت صهیونیستی اسرائیل تحت کنترل حماس در آمد و خود این جریان با راکت پرانی‌های هر از چند گاهی خود به فلسطین اشغالی، به مثابه دشمن اسرائیل شناخته شد.

### ۲) هدف ستراتیژیک مبارزاتی این دو نیروی سیاسی

سازمان مجاهدین با بنیان‌گذاری محمد حنیف نژاد و سعید محسن و یارانش جریانی بود که از همان آغاز مبارزه خود را به مثابه پیکاری در برابر سرمایه جهانی و امپریالیسم، به مثابه دشمن خلق‌های ایران و جهان تعریف کرد. در همین راستا بود که سازمان مجاهدین حتی عملیاتی را علیه مستشاران امپریالیسم ایالات متحده امریکا در ایران زمان شاه برنامه ریزی کرده و به اجراء درآورد. از این رو سازمان مجاهدین در دوره شاه به مثابه یک سازمان واقعاً ضدامپریالیست در درون صف خلق قرار داشت.

در مقایسه با این سازمان، حماس هرگز نه وظیفه مبارزه با امپریالیسم را برای خود معین کرده و نه به اقدامی مؤثر علیه منافع امپریالیست‌ها و امپریالیسم امریکا دست زده است. حماس بیش از هر چیز ملی‌گرایی فلسطینی را در چهارچوب اسلامی تبلیغ و ترویج می‌کند و همواره به عنوان ابزاری جهت به حاشیه راندن نیروهای سکولار مترقی و انقلابی عمل کرده است.

### ۳) هدف سیاسی این دو جریان سیاسی

سازمان مجاهدین خلق ایران دوره شاه علی رغم مسلمان بودن اعضایش هرگز هدف سیاسی خود را به طور رسمی برپائی یک حکومت اسلامی قرار نداد. این سازمان خواستار رسیدن به "جامعه بی طبقه توحیدی" بود. این خواسته جدا از عملی بودن یا نبودنش، گرایشی مبنی بر برچیدن ستم طبقاتی و فروریزی بهره کشی انسان از انسان در خود داشت. در مقابل، حماس هرگز در ظاهر نیز مدعی رهائی توده های تحت ستم فلسطینی از ستم طبقاتی و رهائی از استثمار آنها نبوده است. هدف سیاسی حماس برچیدن سلطه صهیونیسم بر فلسطین و برقراری یک فلسطین اسلامی اعلام شده است. شکی نیست که همین هدف اعلام شده یعنی ایجاد یک حاکمیت اسلامی در فلسطین اشغال شده به معنای تداوم ظلم و ستم و استثمار بر مردم فلسطین بوده و بدرستی حماس را به مثابه یک نیروی ارتجاعی می شناساند. باید تأکید کرد که برپائی حاکمیت مذهبی در ذات خود غیردمکراتیک و ارتجاعی است و به هیچ وجه قابل دفاع نمی باشد.

#### ۴) تأمین مخارج این دو نیروی سیاسی

شریان مالی حماس از زمان به قدرت رسیدنش، میلیاردها دالری است که این سازمان از جوامع بین المللی و قطر و امارات متحده عربی دریافت کرده است. جالب آن که بیشتر این کمک ها به عنوان کمک مالی از قطر و از طریق سازمان ملل، تحت نظارت اسرائیل به حماس رسیده است. بدیهی ست که یکی از دلایل اساسی این برخورد از طرف اسرائیلی ها تقویت بنیادگرائی اسلامی از طریق حماس و تضعیف جریان های سکولار و دموکراتیک مقاومت فلسطین می باشد.

من دیگر به این نمی پردازم که امروز جمهوری اسلامی در جهت تقویت بنیادگرائی اسلامی در فلسطین و در خاورمیانه، یکی از اصلی ترین کمک کننده ها به حماس می باشد.

در حالی که در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی مخارج مالی سازمان مجاهدین عمدتاً از طرف مردم هوادار این سازمان و به طور مشخص از طریق خرده بورژوازی مرفه بازار تأمین می شد.

با توجه به چهار نکته اساسی بالا و بررسی عملکرد این دو جریان می توان به این جمع بندی رسید که سازمان مجاهدین در دوره شاه جریان سیاسی مترقی و در صف خلق بود؛ در حالی که حماس، نیروی سیاسی ارتجاعی می باشد.

#### دو) تروریسم چیست؟

تروریسم واژه ای است که این روزها بسیار از آن استفاده می شود اما جالب آنجاست که تعریف مورد توافق همگانی از آن وجود ندارد!

پولیس بین المللی (اینترپل) تروریسم را به عنوان "طیفی از تهدیدات پیچیده" تعریف کرده و نوشته است که جریانات تروریستی "در مناطق درگیری سازمان یافته"، متشکل از "جنگجویان تروریست خارجی و «گرگ های تنها»ی رادیکال شده" بوده و حملات خود را با استفاده از مواد کیمیائی، بیولوژیکی، رادیولوژیکی، هسته ای و انفجاری سازمان می دهد. (۲)

دانشنامه بریتانیکا تروریسم را اینگونه تعریف کرده است: "استفاده حساب شده از خشونت برای ایجاد یک جو عمومی ترس در یک جمعیت و در نتیجه تحقق یک هدف سیاسی خاص. تروریسم توسط سازمان های سیاسی با اهداف راست و چپ، گروه های ملی گرا و مذهبی، انقلابیون و حتی نهادهای دولتی مانند ارتش، سرویس های اطلاعاتی و پولیس اعمال شده است." (۳)

در فصل اول کتاب "اساس تروریسم" نوشته "جیمز لوتز" و "برندا لوتز" اینگونه آمده است: "هیچ تعریف مورد توافق جهانی از تروریسم وجود ندارد. در بهترین حالت، ما یک تعریف جهانی از تروریسم داریم که به شرح زیر است:

تروریسم استفاده از خشونت برای ایجاد ترس (به عنوان مثال، وحشت، ترس روانی) برای رسیدن به اهداف (۱) سیاسی، مذهبی، یا (۳) دلایل ایدئولوژیک (ایدئولوژی‌ها سیستم‌های اعتقادی هستند که برگرفته از جهان بینی‌هایی هستند که شرایط اجتماعی و سیاسی انسان را چهارچوب می‌دهند). این ترور عمداً اهداف غیرنظامی (یعنی غیرنظامیان یا نمادهای نمادین) را هدف قرار می‌دهد و هدف دستیابی به بیشترین تبلیغات قابل دسترس برای یک گروه، هدف یا فرد است.

در دانشنامه ملی سویدن تروریسم اینگونه تعریف شده است: "تروریسم، اعمال خشونت آمیز که از نظر سیاسی مشروط شده و با هدف تأثیرگذاری بر جامعه یا سیاست یک کشور بدون توجه به این که آیا افراد بیگناه تحت تأثیر قرار می‌گیرند یا خیر به اجراء در می‌آید. تروریسم توسط سازمان‌های سیاسی جناح چپ و راست افراطی، گروه‌های مذهبی، ملی‌گرا، قومی و انقلابی، و نیز توسط دولت‌ها (به شکل فردی) و - به شکل استثنائی - توسط افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد. چندین شکل طبقه بندی گوناگون، به عنوان مثال در کنوانسیون‌های دیپلماتیک و سایر اسناد سیاسی و همچنین در ادبیات و تحقیقات، در مورد مفهوم تروریسم وجود دارد. نقطه شروع معمولاً دامنه گسترش تروریسم و رابطه سازمان‌های تروریستی با دولت‌ها است. از نظر تعریف، سپس می‌توان بین تروریسم دولتی، تروریسم ملی و تروریسم بین‌المللی تمایز قائل شد. (۵)

به همانگونه که مشاهده می‌کنید تعریف مشخصی از تروریسم و جریان تروریستی وجود ندارد و جالب آنجاست که در بیشتر تعاریف متعارفی که من دیده‌ام (به استثنای دانشنامه ملی سویدن) تروریسم را نیروهائی جدا از دولت‌ها تعریف کرده‌اند! از اینرو ناچاریم که خود تعریفی از تروریسم به میان آوریم. من تروریسم را بدینگونه تعریف می‌کنم: "حرکتی که برای رسیدن به اهداف خود خواهان ایجاد وحشت و ارباب در میان توده‌ها بوده و حاضر باشد که در عملیاتش مردم عادی و غیروابسته به دشمن طبقاتی کشته و یا مجروح شوند."

با تعریف یادشده در بالا و با توجه به عملیات سازمان‌های مجاهدین از آغاز تا پیش از قیام می‌توان گفت که این سازمان یک جریان تروریستی نبوده است. عملیات نظامی این سازمان نه برای توده‌ها بلکه برای دشمن طبقاتی توده‌ها ارباب آور بوده و این سازمان توده‌ها را مورد تهاجم قرار نداده بود. در حالی که حماس از آغاز تا به امروز با اعمال خود نشان داده است که جریانی تروریستی می‌باشد که برای رسیدن به هدف از کشتن مردم عادی و حتی کودکان نیز ابائی نداشته است.

۳۱ شهریور-سنبله-۱۴۰۳ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴)

#### پانوشت‌ها:

(۱) با استفاده از پیوند زیر می‌توانید مصاحبه یادشده را دیده و بشنوید: <https://tvbarabari.net/?p=16388>

(۲) پیوند به تعریف اینترپل از تروریسم: <https://www.interpol.int/Crimes/Terrorism>

(۳) پیوند به تعریف دانشنامه بریتانیکا از تروریسم:

<https://www.britannica.com/topic/terrorism>

(۴) این بخش از کتاب یادشده با استفاده از پیوند زیر در اختیار شما قرار می‌گیرد:

[https://www.sagepub.com/sites/default/files/upm-binaries/51172\\_ch\\_1.pdf](https://www.sagepub.com/sites/default/files/upm-binaries/51172_ch_1.pdf)

پیوند به تعریف دانشنامه ملی سوئد از تروریسم:

<https://www.ne.se/upplagsverk/encyklopedi/1%C3%A5ng/terrorism>